



سوگ زایش

مجموعه‌ی شعر

پروفسور دکتر فاروق صفی‌زاده

سازمان چاپ و انتشارات ایران جام
۱۳۹۰ خورشیدی

سرشناسه	: صفی‌زاده، فاروق، ۱۳۴۶-
عنوان و نام پدیدآور	: سوگ زایش (مجموعه شعر) / فاروق صفی‌زاده
مشخصات ناشر	: تهران: ایران جام، ۱۳۹۰.
مشخصات ظاهری	: ۶۷۲ ص.
شابک	: ۲-۲۴-۸۳۷۹-۹۶۴-۹۷۸ : ۱۳۰۰۰۰ ریال
وضعیت فهرست‌نویسی	: فیپا
موضوع	: شعر فارسی - - قرن ۱۴
رده‌بندی کنکره	: ۱۳۹۰ س ۹۲ ف / PIR ۸۱۳۴
رده‌بندی دیوینی	: ۶۲ / ۸
شماره کتابشناسی ملی	: ۲۴۴۳۹۰۹

سازمان چاپ و انتشارات ایران جام

نام کتاب: سوگ زایش

شاعر: پروفسور دکتر فاروق صفی‌زاده

ناشر: سازمان چاپ و انتشارات ایران جام

سال چاپ: ۱۳۹۰ خورشیدی

نوبت چاپ: اول

شابک: ۲-۲۴-۸۳۷۹-۹۶۴-۹۷۸

سازمان چاپ و انتشارات ایران جام، تهران

صندوق پستی: ۱۵۸۷۵-۳۱۷۱

پیش‌گفتار

عقربه‌های زمانه به شدت با گذر از زمان به پیش می‌تازد. نوآوری‌های شعر ایران در ابیات نیمایی آغاز گردید. هنوز هم ترکیب‌ها و تشبیه‌های تکراری و ملال‌آور ر ابیات گذشته‌ی کلاسیک کم و بیش دیده می‌شود، اما قالب‌های نو برخلاف شعر گذشتگان که از کشفیات شخصی و بدیع خبری ندارد صور خیال را بدون زنجیر به ملکوت پرواز وامی‌دارد. در سروده‌های نیمایی خواننده با ابیاتی رو به رو می‌شود که از درونِ دردمند و حس‌انسان‌گرایانه‌ی شاعر سرچشمه دارد و سکوت در سینه همه می‌نماید، و درد در رگ‌ها می‌پیچید، دلشوره‌های زمین در شاعر جریان می‌یابد و با او می‌ماند و به خواننده انتقال می‌یابد. زبان شاعر بایستی شفاف و درخشان باشد.

«رنج مویه‌ها» منجر به کشف‌های دلپذیر می‌شوند و لحظاتی در «تنفس هوای و هم»، خستگی و شکستگی اراده‌ها التیام می‌یابد.

ژرف‌نگری در شعر، ذهن هر شاعر متعهد و صاحب اندیشه را به خود مشغول می‌دارد و آن چه که از آن به عنوان پشتوانه یا میراث یاد می‌شود به شعر عمق و غنا می‌بخشد.

«ققنوس» در ادبیات کلاسیک فارسی، مرغی است افسانه‌یی که جفت ندارد، بر فراز قلعه‌ی بلندی در برابر باد ایستاده و هزار سال عمر می‌کند و سرانجام پس از جمع کردن انبوهی هیزم، بالای آن می‌نشیند و از برهم زدن بالهایش آتشی در

هیزم می‌افکند و همراه با هیزم در شعله‌های آتش می‌سوزد و خاکستر می‌شود.
پس از این خاکستر، تخمی به وجود می‌آید که از این تخم ققنوس دیگری سر بر
می‌آورد، و باز همان مراحل تکرار می‌شود. گویا قصه‌ی ققنوس به نوعی تکرار
حدیث «سوشیانس» در آیین زرتشت است:

«در خلوت راز بال و پر می‌گیرم

در باغ نماز بال و پر می‌گیرم

همرنگ عروج مرغ آتش بالم

می‌سوزم و باز بال و پر می‌گیرم.»

این ابیات که از دل برخاسته برای بر دل نشستن تقدیم خوانندگان فهیم
می‌گردد باشد که مقبول افتد.

تهران - فاروق صفی‌زاده (پوره‌کاهی)

www.ketab.ir